



نبرد خلق

ارکان سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران

با خط درشت و در یک ستون، ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

شماره ۴۲۴. بهمن ۱۳۹۹

ویژه پنجاهمین سالگرد رستاخیز

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیائیه

در این شماره می خوانید:

همایش پنجاهمین سالگشت رستاخیز سیاهکل برگزار شدص ۲

پیام سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران به مناسبت پنجاهمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکلص ۳

رستاخیز سیاهکل و نقش بی بدیل رفیق غفور حسن پور - مهدی سامعص ۹

بر ره شتاب کن: غفور - فتح الله کیائیهص ۱۸

سیاهکلی دیگر بر آفرینیم - ربابه جوزقیص ۱۹

بوی بهاران در جنگل سیاهکل / به یاد پانزده چریک فدایی خلق - امید امیدوار.....ص ۲۰

اطلاعیه توضیحی دبیرخانه سازمانص ۲۹

پیامها به مراسم گرامیداشت پنجاهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل.....ص ۲۱ تا ۲۸

عده ای از فعالان دانشجویی داخل کشور / شعری از م. وحیدی (م. صبح) از اشرف ۳ / سروده ای از مرجان از ایران / یک رفیق معلم از لرستان / رحمان جاری، فعال اجتماعی در منطقه سیل زده جنوب لرستان / تعدادی از پشتیبانان جنبش فدایی / رفقا فرهاد، پرهام، امید آدینه، کارن و پدرام محسنی از ایران / کانون همبستگی ایرانیان مونیخ / فرشته و رحمان کریمی از آلمان / کاوه آل حمودی از هلند / دو اثر ارزنده نقاشی از طرف محمد قربانی و ناصر قاضی زاده

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

همایش پنجاهمین سالگشت رستاخیز سیاهکل برگزار شد.

عصر روز یکشنبه ۱۹ بهمن ۱۳۹۹ برابر با ۷ فوریه ۲۰۲۱، پنجاهمین سالگرد حماسه سیاهکل به صورت زنده در شبکه جهانی زوم با شرکت شمار زیادی ایرانیان آزادیخواه برگزار شد.

برنامه با پخش نماهنگی ساخته شده توسط کوشندگان همراه سازمان، آغاز شد و آنگاه رفیق زینت میرهاشمی به حضار خوش آمد و در پایان از حضار درخواست کرد که «به یاد دلیران سیاهکل، به پاس جانهای عاشقی که پرچم کرامت و غرور در هر فرسنگ این راه کاشتند، به احترام رفقای اسیر در سیاهچالهای رژیم ولایت فقیه، یک دقیقه سکوت کنیم.» متن



کامل سخنان زینت

میرهاشمی در همین شماره نبرد خلق چاپ شده است.

سپس چکیده ای از بیانیه

سازمان چریکهای فدایی

خلق ایران به این مناسبت

توسط رفیق کامران عالمی

نژاد خوانده شد.

آنگاه رفیق فتح الله کیائپها

یکی سروده های خود با نام

«برای رفیق غفور حسن پور»

را خواند.

بعد از شعرخوانی، نماهنگ

خون ارغوانها پخش شد. پس از آن سخنرانی رفیق مهدی سامع، سخنگوی سازمان با عنوان «رستاخیز سیاهکل و نقش بی بدیل رفیق غفور حسن پور» شروع و به مدت ۴۵ دقیقه ادامه یافت.

بخش بعدی همایش به هنرمند ارزنده استاد طاهرزاده عضو کمیسیونها فرهنگ و هنر و خارجه شورای ملی مقاومت اختصاص داشت. استاد طاهرزاده یک قطعه موسیقی از ساخته های خود را با شعر شاعر معاصر، استاد شفیعی کدکنی اجرا کرد.

پس از آن رفیق ربابه سروده خود با عنوان «سیاهکلی دیگر بیافرینیم» را خواند.

سپس ترانه سرود «تا آسمان دلتا» شعری از رفیق سعید سلطانیپور توسط رفیق فریدون رضانی اجرا شد.

در قسمت بعد اسامی ارسال کنندگان پیام به همایش توسط رفیق امیرابراهیمی به اطلاع حضار رسید.

آنگاه رفیق امید سروده خود به نام «بوی بهاران در جنگل سیاهکل» را خواند.

پس از شعر خوانی ترانه «ز جابرخیز» توسط دوست هنرمند عزیز دیلان اجرا شد.

در بخش بعد سخنگوی سازمان به برخی از پرسشها پاسخ داد و آنگاه رفیق خسرو خواجه نوری شعری از زنده یاد رفیق بیزن جزنی در رابطه با سیاهکل را دکلمه کرد.

همایش پنجاهمین سالگشت رستاخیز سیاهکل با سرود جاودانه انترناسیونال به پایان رسید.

فیلم کامل همایش را در یوتوب و در آدرس زیر پخش شده است:

<https://www.youtube.com/watch?v=dgHxiGeW1-k>

پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت پنجاهمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل



در ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ خورشیدی، یک گروه چریکی به فرماندهی فدایی شهید رفیق علی اکبر صفایی فراهانی به پاسگاه ژاندارمری در شهرک سیاهکل در استان گیلان حمله و آن را خلع سلاح کردند و با این عمل کوچک از نظر نظامی و دوران ساز از نظر سیاسی، افق جدیدی را در سپهر سیاست ایران زمین گشودند؛ افقی که آغاز پایان عمر دیکتاتوری سلطنتی را نوید داد.

محمد رضا شاه و سازمان سرکوبگر امنیت (ساواک) که به خوبی پیام سیاسی و رمز و راز سترگ این حرکت را دریافت کرده بودند، به سرکوب گسترده روی آوردند. رفقا مهدی اسحاقی و محمد رحیم سمایی در جریان عملیات پس از ۱۹ بهمن در جنگلهای گیلان به

شهادت رسیدند و رفقا غفور حسن پور اصیل، علی اکبر صفایی فراهانی، احمد فرهودی، جلیل انفرادی، محمدعلی محدث قندچی، ناصر سیف دلیل صفایی، هادی بنده خدا لنگرودی، شعاع الدین مشیدی، اسکندر رحیمی، محمدهادی فاضلی، عباس دانش بهزادی، اسماعیل معینی عراقی و هوشنگ نیری در بیدادگاه نظامی به اعدام محکوم و در سپیده دم روز ۲۶ اسفند همان سال در «میدان تیر چیتگر» به جوخه های اعدام سپرده شدند.

هدف رژیم شاه از اعدام دسته جمعی ۱۳ انقلابی جان برکف - که تا آن زمان کم سابقه بود - حفظ و پاسداری از معادله



نابرابر «ضعف مطلق مردم و قدرت مطلق حکومت» بود. ساواک شاه «تهدید» را دریافت و در این خیال باطل بود که از شکل گیری «قطب بندی سیاسی بین مردم و حاکمیت» جلوگیری کند و «تهدید» را در نطفه خفه کند. رستاخیز سیاهکل و پس از آن ادامه مبارزه مسلحانه انقلابی کابوس مداوم برای شاه شد و به همین دلیل به ساواک سرکوبگرش دستور وحشیانه ترین سرکوبیها را داد. جنبش انقلابی مسلحانه با وجود سرکوبهای خشن راه پُرفراز و نشیب رهایی را ادامه داد و با به سُخره گرفتن اقتدار شاه، روانشناسی انقلاب را به اعماق جامعه رسوخ داد و همزمان شاه را به استیصال کشاند.

وزیر دربار شاه در خاطراتش از قول او در توصیف چریکهای فدایی می نویسد: «عزم و اراده آنها اصلاً باور کردنی نیست، حتی زنها تا آخرین نفس به جنگ ادامه می دهند، مردها قرص سیانور در دهانشان دارند و برای این که دستگیر نشوند خودکشی می کنند.» (امیر اسدالله علم، من و شاه، یادداشتهای محرمانه دربار سلطنتی ایران، ص ۱۴۶)

پس از حماسه سیاهکل مرزبندی روشنی بین انقلاب و استبداد ترسیم شد و همزمان با منفرد شدن سالوس صفتی اپورتونیستها، نیروی سترگ انسانیت و عشق سلحشورانه به آزادی و برابری در برابر بی عملی، مصلحت جویی و عافیت طلبی اپورتونیستها قرار گرفت. خنجر سرخ سیاهکل کیسه مرغ ماهیخوار را که ذهن و عمل کمونیستها را به اسارت گرفته بود از هم درید و دوران نوینی را به ثبت رساند؛ دوران جنبش نوین کمونیستی ایران.

مبارزه بی امان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، تاکید و پایداری بر خط مشی مبارزه مسلحانه انقلابی موجب استقبال گسترده از جانب آگاهترین و پیشروترین زنان و مردانی که مدافع آزادی و سوسیالیسم بودند، شد. حمایت و پشتیبانی کارگران آگاه، زنان، دانشجویان، شاعران، هنرمندان تاتر و سینما، نویسندگان و فرهنگیان از جنبش پیشتاز فدایی، موجب آن شد که سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به یک جنبش اجتماعی بزرگ در آستانه انقلاب بهمن ۱۳۵۷ فرا روید. واقعیت بالندگی حماسه سیاهکل را خمینی بلافاصله درک کرد و علیه آن موضعی سخیف، ارتجاعی و ضد انقلابی گرفت. او در پاسخ به نامه ۶ اردیبهشت ۱۳۵۰ مسئول اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا، در تاریخ ۲۸ اردیبهشت همان سال نوشت: «باید حادثه سازیها و شایعه پردازیهای را که در ممالک اسلامی برای تحکیم اساس حکومت استعماری است

بررسی دقیق کنید، نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل.» وقتی این پیام در همان زمان در نشریه «اسلام مکتب مبارز»، ارگان اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا به چاپ رسید، به خاطر موضع ننگین خمینی، جمله «نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل» حذف شد. (سید حمید روحانی (زیارتی)، نهضت امام خمینی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم پائیز ۱۳۷۴، جلد سوم، ص ۴۸۶-۴۸۷)

با روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی، همزمان با کشتار سبعانه مخالفان و از جمله کمونیستها، مدافعان رنگارنگ استبداد مذهبی همچون اصول گرایان، اصلاح طلبان و گزافه گویان پیرامون و حاشیه قدرت، که تاریخ و سنت انقلابی جنبش پیشتاز فدایی را به درستی یک «تهدید» ارزیابی می کردند، دست به تحریف تاریخ و حقایق آن با مشتی جعلیات و اراجیف زدند؛ تلاش رسوا شده ای که تاکنون نیز ادامه دارد. آبشخور نگرانی خامنه ای از نفوذ «چپ مارکسیستی» در میان نسل جوان که چند بار به طور علنی به زبان آورده، وجود همین «تهدید» است. واقعیت این است که پس از سرکوبهای گسترده سالهای دهه ۶۰، بار دیگر نیروی چپ از خاکستر خود برخاسته است و بنابراین دستگاههای اطلاعاتی و گفتمان



سازی رژیم جمهوری اسلامی همزمان با سرکوب، زندان و شکنجه می کوشند تا با انتشار انبوهی به اصطلاح «تحلیل و تحقیق» به مخدوش کردن چهره جنبش کمونیستی طی سالهای پیش از قیام بپردازند.

دست پروردگان خمینی و دنباله روان منش جاهلانه او تلاش کرده و می کنند تا با وارونه کردن تاریخ، آن را در قد و قواره

«انقلاب اسلامی» ترسیم کنند. نقشه ابلهانه آنان این است که نیروی اجتماعی بزرگی که مدافع آزادی و برابری است را بدون تاریخ درخشان، فاقد سنت انقلابی و تهی از اندیشه های پیشرو جلوه دهند. اما رویشها، خیزشها، جنبشها و قیامهای توده ای نشان داد که مبارزه فرودستان و تهیدستان برای «تان، کار و آزادی» و شور و شوق جوانان قیام کننده برای آزادی، سر باز ایستادن ندارد و این چنین است که در سراسر فلات آفتاب و باد، «زنگ انقلاب» به صدا در می آید، «توفان شکوفه» می دهد و «آفتابکاران جنگل» ماندگار و تکثیر می شود.

زنان و مردان ایران زمین!

*سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در آغاز پنجاه و یکمین سال حیات خود یاد، نام و خاطره همه زنان و مردان دلیر جنبش پیشتاز فدایی که در زندانهای شاه و شیخ، در پای چوبه های دار، در پیکار با دشمن و در راه هدفهای سترگ جنبش کمونیستی ایران به شهادت رسیدند را گرامی می دارد و بر عهد و پیمان خود برای ادامه راهی که حماسه آفرینان رستاخیز سیاهکل آغاز کردند، تاکید می کند.

*ما به تمامی زنان و مردان ایران زمین که برای آزادی، دموکراسی، عدالت و نابودی تبعیض جنسیتی، مذهبی و ملی، صلح و پیشرفت و جدایی دین از دولت مبارزه می کنند درود می فرستیم و خاطره تمامی کسانی که در راه تحقق خواسته‌های ترقیخواهانه مردم ایران به شهادت رسیدند را گرامی می داریم.

*ما به پایداری خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی، به مقاومت همه زندانیان سیاسی و عقیدتی ادای احترام می کنیم و خواستار اقدام بیدرنگ بین المللی برای بازدید از زندانهای ولایت خامنه ای و ملاقات با زندانیان سیاسی به ویژه بازداشت شدگان خیزشهای سالهای اخیر هستیم. ما خواستار آزادی تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی و برچیدن مجازاتهای وحشیانه سنگسار، قصاص، قطع اعضای بدن و اعدام در ایران هستیم.

هموطنان، مردم به فلاکت کشیده شده!

ایران تحت حاکمیت تبهکاران در بحرانی ترین لحظات تاریخ خود قرار دارد. تمامی عاملهای کلان در اقتصاد، سیاست و جامعه نشان دهنده آن است که این بحران در تار و پود کشور جاری شده است. رژیم جمهوری اسلامی و در راس آن خامنه ای بار بحران را بر دوش مردم ستمدیده کشور ما گذاشته و برای مهار گنجهای توده های مردم از حربه سرکوب و صدور تروریسم و بنیادگرایی استفاده می کند. اما عمق و گستردگی بحران به میزانی است که هیچ تدبیر ضدخلقی نمی تواند تلاطم و تکانه های ناشی از اوضاع آشفته کشور و وخامت وضعیت مردم را فرو نشاند. نشانه های بحران انقلابی به طور روزمره خود را نشان می دهد و در حالی که بالاییها نمی توانند به شکل سابق حکومت کنند، پایینیها هم نمی توانند به شکل گذشته به زندگی ادامه دهند. ما در همین یکی دو ماه گذشته شاهد صدها حرکت اعتراضی از جانب نیروهای کار و تهیدستان شهر و روستا بودیم. همزمان کشمکشهای بی سابقه در هرم قدرت و ثروت جریان داشت تا جایی که برخی از دلواپسان ولایت، رئیس جمهور مالاها را خائن و پای «منقل» نشین معرفی می کنند. در مقابل، مخالفت با خامنه ای در درون قدرت روز به روز بیشتر می شود و همین موضوع باعث شده تا نوکران حلقه به گوش ولی فقیه در مدح و ثنای او مرزهای در یوزگی را پشت سر بگذارند.

خامنه ای، که بهتر از هرکس از عمق بحران با خبر است، «دولت جوان حزب الهی» را راه حل نظام برای غلبه بر بحران می داند. خروجی این راه حل که می توان آن را مشابه دوران احمدی نژاد ارزیابی کرد، به معنای سلطه پاسداران، امنیتیها، مداحان و لومپنها بر تمامی ارکان حکومت و منقبض شدن بیشتر حاکمیت و سرکوب عریان تر مردم است. اکنون که خامنه ای موفق شده یک دزد سرکوبگر را در راس مجلس جاگذاری کند و یک جلاد منفور را در راس قوه قضاییه بگمارد، قصد دارد با شعبده بازی، یک پاسدار جنایتکار و یا یک شکنجه گر را از صندوق نمایش انتخابات ریاست جمهوری بیرون آورد.

همه گیری ویروس کرونا

همه گیر شدن ویروس کرونا (کوید ۱۹) در سراسر جهان به مساله عمده تبدیل شده است. اما خصلت این همه گیری در ایران، اتحاد و پیوند آن با منافع نظام حاکم است. جمهوری اسلامی از کرونا به مثابه یک فرصت برای جلوگیری از شورش، جنبش، خیزش و قیام استفاده می کند. برای همین از ابتدا به انکار و دروغ در باره آن پرداخت و سپس حاضر نشد از داراییهای غارت شده کشور برای پیشگیری از شیوع ویروس و درمان مردم مبتلا هزینه کند. بر اساس گزارشهای گوناگون تا کنون دستکم دویست هزار تن در سراسر کشور از ویروس کرونا جان باخته اند. با وجود پنهان سازی کشتار کرونا از سوی حاکمیت، مدتهاست که ایران از نظر تعداد مرگ و میر ناشی از کرونا جزو پنج کشور اول در جهان است. حسین قشلاقی عضو شورای عالی نظام پزشکی گفت؛ بر اساس گزارش های میدانی کادر درمان و همچنین با بررسی آمار دفن شدگان، می توان گفت میزان مرگ و میر کرونا در کشور حدود ۳ تا ۴ برابر آمار رسمی است. سخنگوی وزارت بهداشت نیز با اشاره به اینکه تاکنون حدود ۲۵ درصد پرستاران ایرانی به کرونا مبتلا شده اند، به وضعیت وخامت بار کادر درمانی اعتراف کرد.

رفتار ضد بشری کارگزاران ولایت خامنه ای پیرامون واکسن کرونا، میزان بیرحمی و فقدان شرافت اخلاقی آنان را به نمایش گذاشته است. تا قبل از حکم ضد انسانی خامنه ای که در روز جمعه ۱۹ دی اعلام کرد و موجب برانگیختن انزجار و تنفر کم سابقه در سطح جامعه و در رسانه های غیر حکومتی شد، کارگزاران رژیم به شمول ماله کش اعظم نظام، بهانه «تحریم دارو» را مطرح می کردند. عذر ابلهانه «تحریم» در توجیه علت هزینه نکردن برای تهیه واکسن در حالی تکرار می شود که نه فقط دولت آمریکا که حتی برخی از کارگزاران دست دوم رژیم و فعالان تجارت خارجی آن اعلام کرده اند که در این مورد هیچ تحریمی وجود ندارد.

رئیس اتحادیه واردکنندگان دارو با رد مشکل نقل و انتقال پول برای واردات واکسن کرونا در شرایط تحریم گفت: «در حال حاضر ۳۰ درصد از داروهایی که ماهانه وارد ایران می شود از کشور آمریکا است و باید در نظر داشته باشیم که تحریمها شامل واکسن نخواهد شد.» (ایلنا، سه شنبه ۱۱ آذر)

در شرایطی که خواست خرید فوری واکسن کرونا به یک مطالبه عمومی تبدیل شده، رژیم برای دور زدن این مطالبه به یک شعبده بازی جنایتکارانه با عنوان تست واکسن داخلی دست زد. برخی از داروسازان و پزشکان در نامه ای سرگشاده نسبت به این آزمایش ابراز تردید کردند. و البته افکار عمومی هم این شعبده بازی را به سخره گرفتند. روحانی پس از چند روز هیاهو درمورد واکسن داخلی گفت: کسی نمی داند تولید واکسن چند ماه طول می کشد و به نتیجه برسد. چند روز قبل از شعبده بازی تست واکسن داخلی، ۱۶۷ داروساز تولید واکسن کرونا را «در حد یک شوخی» خواندند و نوشتند: «با کدام جرات ادعای تولید چنین واکسنی را داریم؟» آنها ضمن انتقاد از «بی برنامهگی وحشتناک» در تامین واکسن در ایران شعار «تولید ملی واکسن» را نیز موجب شگفتی خواندند و نوشتند: «چرا اجازه بدهیم تولید یک محصول اینقدر تخصصی را ساده جلوه دهند؟ ما که قابلیت خرید چند فریزر برای انتقال و نگهداری واکسن را نداریم، تجهیزات تولید واکسن آن هم برای ۸۰ میلیون نفر را داریم؟» آنها خواسته اند «به موقع، و نه بعد از مرگ سهراب» نسبت به خرید و واردات واکسن اقدام شود. آنها برخی موضوعات مطرح شده در رسانه های داخل ایران درباره واکسن داخلی را «توهین به شعور علمی داروسازان و صرفاً بهانه ای برای عدم تامین واکسن توصیف کردند.»

شعار خرید فوری واکسن معتبر جهانی و در دسترس قرار دادن رایگان آن برای همگان به خواست جامعه که زیر فشار کرونا و تحت ستمگری رژیم قرار دارد، تبدیل شده است.

دیدگاهها و وظایف ما

* سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در پنجاهمین سالگرد حماسه سیاهکل، با ابراز خرسندی از رشد کم نظیر آگاهی و مبارزه محرومان و ستمدیدگان، همچنان به مبارزه تا رسیدن به آزادی و سوسیالیسم ادامه می دهد. شرایط مادی که بر بستر آن خیزش بی چیزان و تحقیرشدگان شکل گرفت را ما در ارزیابیها و تحلیلهای درونی و بیرونی خود به عنوان "بحران غیرقانونی" و یا "بحران انقلابی" می دانستیم و تمام فعالیت تبلیغی و ترویجی ما پیرامون همین مساله متمرکز بود. درستی این ارزیابی با برافراشته شدن پرچم قیامها، خیزشها و جنبشها طی یک دهه اخیر اثبات گردید.

به گمان ما «ستیز توده ها با حاکمیت در تمامیت آن، تضاد بین قدرت حقیقی و قدرت حقوقی، تضاد بین مناسبات بورژوازی حاکم با روبنای ناسازگار سیاسی (استبداد دینی) و تضاد نظام جمهوری اسلامی با جهان پیرامون خود (آمریکا، اروپا و خاورمیانه) شدت و حدت بی سابقه ای پیدا کرده است.»

در شهریور ماه سال ۱۳۸۲ ما تاکید کردیم: «با هرگونه دخالت نظامی خارجی و هرگونه جانشین سازی که اراده آزاد مردم ایران برای تحقق حاکمیت ملی را نفی کند، مخالفیم.» (گزارش سیاسی، مصوب شورای عالی سازمان، ۲۸ شهریور ۱۳۸۲) در همین سند وظایف ما در عرصه جهانی چنین اعلام شده است: «فعالیت گسترده در خارج از ایران و استفاده از همه ی امکانات جهانی (مراجع بین المللی - دولتها - سازمانهای اجتماعی - نهادهای مدافع حقوق بشر - ...) بر اساس حفظ استقلال و رعایت موازین و اسلوبهای شناخته شده بین المللی در جهت هرچه منفرد کردن استبداد مذهبی حاکم بر ایران و گسترش مبارزه مردم برای سرنگونی رژیم.»

* «خواست اولیه و مقدم مردم ایران که همه ی شیفتگان آزادی در راه آن پیکار می کنند، سرنگونی رژیم حاکم با همه دسته بندیها و باندهای درونی آن و به سرانجام رساندن انقلاب دموکراتیک و استقرار یک نظام دموکراتیک و عرفی در ایران است. برای تحقق این خواست تاریخی مردم ایران است که ما از آلترناتیو شورای ملی مقاومت پشتیبانی کرده و به سهم خود در این ائتلاف دموکراتیک مداخله می کنیم. تلاشهای مذبحخانه برای درهم شکستن اتحاد ما در این شورا چه آگاهانه و از جانب نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی و چه ناآگاهانه و غرض ورزانه، نمی تواند خللی در عزم ما برای ادامه راهی که بدون تزلزل و فرصت طلبی انتخاب کرده ایم، ایجاد کند.»

* ما «قیام همگانی و استفاده از تمامی اشکال مبارزه را حق مسلم مردم ایران می شماریم. سازمان ما ایجاد هسته های مخفی مقاومت، تشکیل هسته های کوچک رسانه ای و خبر رسانی، ایجاد کمیته های مخفی عمل و شوراهای هماهنگی، سازمانیابی برای نافرمانی مدنی و ... را راهکارهای ایجاد بی شمار کانونهای شورشی می داند. این راهکارها اشکال مناسب و عملی برای هماهنگی مبارزه کارگران، معلمان، کارمندان، مزدبگیران، پرستاران، دانش آموزان، دانشجویان و جوانان، زنان، روشنفکران، فرهنگیان و هنرمندان است و ما به سهم و توانایی خود در این مسیر تلاش می کنیم.» (گزارش سیاسی، مصوب نهمین شورای عالی سازمان، سه شنبه ۱۹ بهمن ۱۳۹۵ / ۷ فوریه ۲۰۱۷)

* ما از مبارزه به حق کارگران، معلمان، پرستاران، کشاورزان و همه مزدبگیران علیه نظام حاکم و سرمایه داری لگام گسیخته که تعرض آن به سطح زندگی و معیشت مردم دامنه بی سابقه ای یافته، حمایت می کنیم. مزد عادلانه و زندگی شایسته، حق اعتصاب، ایجاد تشکلهای مستقل و نظارت سازمان بین المللی کار بر تامین حقوق مزدبگیران، حق مسلم نیروهای کار ایران است و ما به طور پیگیر از آن حمایت می کنیم.

* حق مسلم و تردید ناپذیر مردم ایران است که به واکسن معتبر و مورد تایید سازمان بهداشت جهانی به طور رایگان دسترسی داشته باشند. جامعه جهانی باید به رژیم ایران برای تحقق این امر فشار مکفی وارد کند. بهانه ها و اراجیف سرکردگان حکومت مبنی بر مانع بودن تحریم جهت تهیه واکسن، تنها و تنها چهره تبهکاران حاکم بر کشور ما را برملا می کند.

* ما از جامعه جهانی، نهادهای مدافع حقوق بشر، سندیکاها و اتحادیه های نیروهای کار و از همه کشورهای جهان می خواهیم که: کلیه مناسبات اقتصادی خود با رژیم ایران را مشروط به قطع شکنجه و اعدام و رعایت حقوق بشر در مورد شهروندان ایران کنند و حق مردم ایران برای تغییر رژیم حاکم به دست خودشان را به رسمیت شناسند.

* «ما خواستار توقف کامل تمامی عملیات و اقدامات اتمی رژیم ایران می باشیم. گرچه سازمان ما بنا به دلایل گوناگون اقتصادی و زیست محیطی مخالف استفاده از انرژی اتمی است، اما معتقدیم که مردم ایران در یک شرایط دموکراتیک و با توجه به طرح آزادانه نظرات کارشناسانه در این زمینه، باید در مورد استفاده و یا عدم استفاده از انرژی اتمی تصمیم گیری کنند.»

* سازمان چریکهای فدایی خلق ایران یازدهمین شعبده بازی انتخابات ریاست جمهوری که قرار است در بهار سال آینده برگزار شود را تحریم کرده و تبلیغ و شرکت در این نمایش ضد مردمی را علیه منافع مردم ایران می داند.

* ما به خلقهای به پاخاسته عراق و لبنان درود می فرستیم و خود را با مبارزه آنها برای دموکراسی و عدالت و قطع دست رژیم جمهوری اسلامی و مزدوران بومی اش همبسته می دانیم. اگرچه حاکمان متجاوز و فرقه گرای ایران با سیاستها و اقدامات خود بذر دشمنی و تخریب همزیستی مسالمت آمیز را می کارند، اما خلقهای ایران، لبنان، عراق، فلسطین و سوریه دشمنی جز رژیم ولایت فقیه ندارند. مبارزه ای که در طرابلس و بیروت، بغداد و نجف، تهران و اهواز جریان دارد، نبرد مشترکی است که در مضمون و هدف دوش به دوش حرکت می کند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران همه ایرانیان آزادیخواه را به اتحاد و مبارزه برای ایجاد جبهه همبستگی به منظور سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و ایجاد یک جمهوری سکولار، دموکراتیک و مستقل فرا می خواند.

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»
«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

چهارشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۹ - ۳ فوریه ۲۰۲۱



**گل اهدایی هواداران سازمان
مجاهدین خلق ایران در آلمان**

گرامیداشت پنجاهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل / با نصب بنر بر پاسگاه سیاهکل

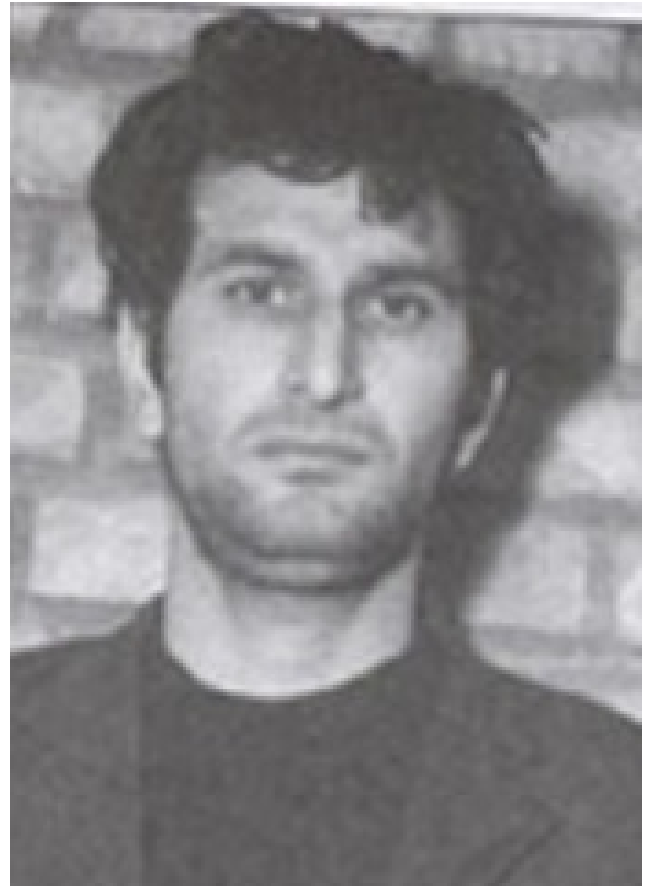
۱۹ بهمن ۱۳۹۹

رستاخیز سیاهکل و نقش بی بدیل رفیق غفور حسن پور

مهدی سامع

کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش
کی روی ره ز که پرسى چه کنى چون باشى
در ره منزل لیلی که خطرهاست در آن
شرط اول قدم آنست که مجنون باشى

حافظ



دوستان عزیز

با سلام و درود فراوان به شما که در هم‌آیش پنجاهمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل شرکت کرده اید. در ابتدا وظیفه خود می‌دانم که از پایداری زندانیان سیاسی - عقیدتی که در اسارتگاههای رژیم ولایت فقیه مقاومت می‌کنند، ستایش کنم.

همچنین یاد و نام شهدای قهرمان جنبش پیشتاز فدایی و همه شهدای راه آزادی، دمکراسی و برابری را گرامی می‌دارم. ادای احترام می‌کنم به خانواده شهدا و زندانیان سیاسی که پایداری آنان موجب افتخار همه آزادی خواهان است. افسوس که در این فرصت کوتاه نمی‌توان اسامی تمامی مادران و پدران شهدای جنبش رهایی بخش مردم ایران که طی سالهای گذشته ما را ترک کردند، بیان کنم. یاد و نام آنها را هرگز فراموش نمی‌کنیم. خود را پشتیبان و همراه خانواده‌هایی که در شرایط کنونی و در جنبش دادخواهی تلاش می‌کنند می‌دانم و با اجازه همه آنان، ادای احترام می‌کنم به پایداری و تلاش یکی از سمبلهای جنبش دادخواهی؛ بانو گوهر عشقی مادر دردمند زنده نام و یاد، ستار بهشتی و در همین جا

گرامی می دارم خاطره ایستادگی یکی از سمبل‌های مبارزه مردم ایران، نوید افکاری که پیش از اعدام، بیدادگری قضایی رژیم جمهوری اسلامی را با یک جمله رسوا کرد: برای طناب دارشان دنبال یک گردن می‌گردند. اعتراف می‌کنم که برای بیان رمز و راز پایداری خانواده شهدا و زندانیان سیاسی ناتوانم و از احمد شاملو کمک می‌گیرم که سرود:

«باش تا نفرینِ دوزخ از تو چه سازد،
 که مادرانِ سیاه پوش
 داغدارانِ زیباترین فرزندانِ آفتاب و باد —
 هنوز از سجاده‌ها
 سر برنگرفته اند!»

احمد شاملو

دوستان عزیز

رستاخیز سیاهکل که ما امروز همراه باهم پنجاهمین سالگشت آن را برگزار می‌کنیم، یکباره و بدون زمینه‌های عینی و ذهنی به وجود نیامد. کودتای ننگین آمریکایی انگلیسی در ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ که منجر به سقوط دولت ملی دموکراتیک دکتر محمد مصدق و کشتارها و بگیر به بندهای پس از آن شد، شرایط وحشت و اختناق را بر جامعه حاکم کرد. رفرم ارضی شاه در آغاز دهه چهل خورشیدی که به دستور دولت وقت آمریکا صورت گرفت، به جای فضای باز سیاسی، پایه‌ها و بنیادهای دیکتاتوری رژیم وابسته شاه را مستحکم نمود و در آن شرایط هر حرکت اجتماعی و سیاسی به شدت سرکوب می‌شد. این شرایط را رفیق امیر پرویز پویان به شکل خلاصه و البته به دقیق‌ترین شکل «قدرت مطلق» حکومت و «ضعف مطلق» مردم تعریف کرد.

در چنان شرایطی که مبارزه «قانونی و مسالمت آمیز» با حاکمیت میسر نبود، اندیشه مبارزه قهرآمیز در میان تعداد زیادی از جوانان پیشرو و انقلابی شکل گرفت. مهندس بازرگان در بیدادگاه نظامی رژیم سلطنتی آینده را به درستی پیش بینی کرد و گفت؛ ما آخرین گروهی هستیم که با زبان قانون با شما حرف می‌زنیم.

پیش بینی فروغ فرخ زاد هم بسیار هوشمندانه و جسورانه است. او چنین سرود:

«من خواب دیده‌ام که کسی می‌آید
 من خواب یک ستاره قرمز دیده‌ام
 و پلک چشمم می‌پرد
 و کفشهایم می‌جفت می‌شوند
 و کور شوم
 اگر دروغ بگویم
 من خواب آن ستاره قرمز را
 وقتی که خواب نبودم دیده‌ام
 کسی می‌آید
 کسی می‌آید
 کسی دیگر
 کسی بهتر
 کسی که مثل هیچکس نیست، ...»

پیش از حماسه سیاهکل، «منظومه آرش کمانگیر» از سروده های سیاوش کسرایی بازتاب وسیعی در جامعه روشنفکری و در میان جوانان پیدا کرد. دانشجویان در برنامه های کوهنوردی بارها آن را به طور جمعی اجرا می کردند. این شعر این گونه آغاز می شود:

«برف می بارد؛

برف می بارد به روی خار و خاراسنگ

کوهها خاموش،

دره ها دلتنگ؛

راهها چشم انتظار کاروانی با صدای زنگ...»

واقعیت این است که پیشرو ترین بخش جامعه در انتظار این «کاروان» و «صدای زنگ» آن بود.

سه سال پیش از حماسه سیاهکل، در اواخر بهمن ۱۳۴۶، مراسم چهلم فقدان جهان پهلوان تختی به شکل با شکوه در یک راهپیمایی چند ده هزار نفره از میدان شوش تا قبرستان ابن بابویه برگزار شد. جمعیت در بازگشت از این مراسم با سر دادن شعارهای «تا مرگ دیکتاتورها نهضت ادامه دارد»، «مرگ بر این دیکتاتور»، «درود بر مصدق» و برخی شعارهای دیگر، چشم انداز مبارزه را به نمایش گذاشتند. نکته قابل توجه اینکه در این حرکت توده ای گسترده هیچ شعاری به سود خمینی داده نشد. این حرکت انقلابی که به گمانم مهمترین رویداد اجتماعی در آن سالها بود، خشم و نفرت را از زیر پوست جامعه به کف خیابان آورد. بسیاری از کسانی که در آن شامگاه دستگیر شدند، از فعالان جنبش مسلحانه انقلابی در سالهای پس از رخداد سیاهکل بودند که برخی در پیکارهای خیابانی به شهادت رسیدند، تعدادی اعدام شدند و عده ای نیز به زندانهای طولانی مدت محکوم شدند.

تلاشهای گروههای سیاسی

از سال ۱۳۴۲ تا حماسه سیاهکل گروهها و محفلهای زیادی با گرایش به مبارزه مسلحانه تشکیل شد. ساواک شاه به فعالیت برخی از این گروهها پی برده و به آنها ضربه وارد کرد. ضربه به گروه رفقا جزنی، ظریفی و سورکی و نیز ضربه به گروه فلسطین که برجسته ترین عضو آن رفیق شکرالله پاک نژاد بود، پیامی به جامعه و هشدار برای دیکتاتوری شاه بود. در سال ۱۳۴۶ در کردستان ایران گروهی با عنوان «کمیته انقلابی حزب دموکرات کردستان» شروع به مبارزه مسلحانه کرد که به مدت یک سال و نیم ادامه داشت. برجسته ترین فعالان این جریان زنده یادان اسماعیل شریف زاده، قادر شریف، ملا احمد هموندی شلماشی (ملاآواره) و سلیمان معینی بودند و برخی از آن زنده یادان در مبارزه مسلحانه با نیروهای نظامی رژیم شاه در مناطق مرزی بانه، به شهادت رسیدند.

پس از ضرباتی که ساواک بر گروه پیشتاز جزنی - ظریفی - سورکی در زمستان ۱۳۴۶ و بهار ۱۳۴۷ وارد کرد، ۲ تن از اعضای این گروه که نام شان برای ساواک مشخص شده بود (رفقا علی اکبر صفایی فراهانی و محمد صفاری آشتیانی) توانستند از ایران خارج شده و به انقلاب فلسطین بپیوندند و ۳ تن دیگر از اعضای گروه که نام آنها برای ساواک مشخص نشده بود (رفقا غفور حسن پور، حمید اشرف و اسکندر صادقی نژاد) همراه با تعدادی از سمپاتهای گروه به سازماندهی مجدد گروه پرداختند. هسته مرکزی سه نفره با سازماندهی سمپاتهای پیشین، خود را برای انجام عملیات چریکی آماده می کرد. در سال ۱۳۴۹ با بازگشت صفایی و صفاری به ایران، گروه تصمیم گرفت که در جنگلهای شمال ایران مستقر شده و پس از یک مانور چند ماهه وارد عمل شود. در شهریور ۱۳۴۹ یک دسته ۶ نفره به فرماندهی علی اکبر صفایی فراهانی از دره مکار در اطراف چالوس وارد جنگل شدند و به سمت غرب حرکت کردند.

دستکم ۱۶ تن دیگر برای پشتیبانی از دسته جنگل، در تیمهای پشتیبانی شهری، تدارکاتی و ارتباطی سازماندهی شدند. این گروه پس از عملیات سیاهکل، به گروه جنگل معروف شد و حمید اشرف در جزوه «یک سال مبارزه چریکی در شهر و کوه» از همین نام استفاده می کند.

گروه دیگری هم در سالهای ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ به وسیله رفقا عباس مفتاحی، مسعود احمد زاده و امیر پرویز پویان تشکیل شد که به طور عمده در مشهد، مازندران، تهران و تبریز سازماندهی شده بودند. این گروه نیز پس از مطالعات و پژوهشهای اولیه خط مشی مبارزه مسلحانه را در دستور کار خود قرار داد. در سال ۱۳۴۸ اولین ارتباط بین دو گروه برای بحث و تبادل نظر برقرار شد.

از اواسط سال ۱۳۴۹ مناسبات دو گروه جدی تر شد، هرچند هنوز دو گروه به طور مستقل عمل می کردند. از جمله همکاریهای آنان، پیوستن رفیق احمد فرهودی به دسته چریکی جنگل بود که در آستانه حماسه سیاهکل از ۹ رزمنده تشکیل می شد.

با دستگیریهای آذر ۱۳۴۹ و اوایل بهمن همان سال، فرمانده دسته چریکی تصمیم می گیرد که هرچه زودتر عملیات آغاز شود. رویدادهای این دوران را رفیق حمید اشرف، ابتدا در جزوه «یک سال مبارزه چریکی در شهر و کوه» و پس از آن در جزوه «جمع بندی سه ساله» شرح داده است که مطالعه آن را توصیه می کنم.

سرانجام در روز دوشنبه ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ با حمله به پاسگاه ژاندارمری در شهرک سیاهکل، سپهر سیاست در ایران وارد دوران جدیدی شد.



رژیم شاه که با این عمل بن بست شکن، قدرت مطلقه اش زیر سوال رفته بود، برای آنکه پیام مقاومت و ایستادگی را در نطفه خفه کند، با بسیج نیروهای ویژه نظامی از زمین و هوا به سرکوب گسترده دست زد و در جریان نبردهایی که تا اوایل اسفند ۱۳۴۹ جریان داشت دو تن از رفقا، رحیم سمعی و مهدی

اسحاقی را به شهادت رساند و بقیه اعضای دسته پارتیزانی را اسیر نمود و آنان را همراه با ۶ تن از رفقای بخش شهر و ارتباطات به سرعت در بیدادگاه نظامی به اعدام محکوم و در روز ۲۶ اسفند به جوخه اعدام سپرد.

اما آن گونه که رفیق سعید سلطانیپور سروده است:

این بذرها به خاک نمی ماند
از قلب خاک می شکفت چون رعد
روی فلات می گذرد چون برق،
خون است و
ماندگار است.

رستاخیز سیاهکل و واکنش عجولانه شاه به آن، «جزیره آرامش» و قدر قدرتی دیکتاتوری سلطنتی را با چالشهای جدی روبرو کرد.

پس از سیاهکل، ۷ تن از گروه جنگل باقی ماندند و در اواخر فروردین سال ۱۳۵۰ در وحدت با گروه رفیق مسعود احمدزاده که تا آن زمان ضربه جدی نخورده بود، بنیانگذاری «چریکهای فدایی خلق» را اعلام کردند. از آن پس آگاهترین و پیشروترین زنان و مردانی که قلب شان برای آزادی و سوسیالیسم می طپید، در پیکارهای بی امان، نام «فدایی» را به عنوان سمبل مبارزه برای رهایی در تاریخ کشور ما به ثبت رساندند. به تاکید باید گفت که رخداد سیاهکل تنها یک

حماسه نبود، یک رستاخیز سترگ و نقطه عطفی در جنبش آزادیخواهی مردم ایران بود و دریغ که امروز بسیاری که هنوز



هم خود را در چارچوب جنبش فدایی تعریف می کنند، نه فقط از «رستاخیز و نقطه عطف» حرفی نمی زنند، حتی از آوردن کلمه «حماسه» در گفته ها و نوشته های شان خود داری می کنند.

همان گونه که ما بارها گفته ایم: رستاخیز سیاهکل و فعالیتهای مبارزاتی چریکهای فدایی خلق ایران «مشعل امید همه

آزادیخواهانی شد که شور رهایی در سر و عشق عدالت در دل داشتند. رویای همه کسانی که در شرایط اختناق دیکتاتوری شاه سودای آزادی و عدالت را در جان خود می پروراندند، با تولد جنبش پیشتاز فدایی به واقعیت گرایید. عمل انقلابی رزمندگان سیاهکل بر اندیشه های فرصت طلبان و تسلیم شدگان غلبه کرد و سازمان چریکهای فدایی خلق ایران را به پرچمدار و پیشاهنگ جنبش نوین کمونیستی ایران طی سالهای ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۷ تبدیل نمود.» (از بیانیه های پیشین سچفخا) این سازمان، در سالهای ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۷ رهبری کامل بر نیروهای جنبش کمونیستی ایران را بر عهده داشت. حدود ۷ ماه پس از رستاخیز سیاهکل، هنگامی که ساواک به سازمان مجاهدین خلق ایران در شهریور ۱۳۵۰ ضربه وارد کرد، معلوم شد که راه مبارزه مسلحانه به وسیله سازمانهای انقلابی دیگر نیز پیموده می شود.

تاثیر رستاخیز سیاهکل در هنر و ادبیات

جنبش قدرتمند چریکهای فدایی خلق ایران تاثیری شگرفی در سپهر سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ایران داشت. برجسته ترین فعالان هنری در عرصه شعر، موسیقی و سینما در سالهای پس از حماسه سیاهکل تا انقلاب مردم ایران در ۲۱ بهمن ۱۳۵۷، آثار ارزشمندی خلق کردند که مضمون آن ستایش از جنبش فدایی بود.

فیلم فراموش نشدنی گوزنها، ساخته مسعود کیمیایی که در آن پری زنگنه ترانه گنجشگ اشی مشی را خوانده است، در ستایش رویداد جنبش چریکی آن دوران ساخته شد. شعر این ترانه را شاعر کازرونی، حسن حاتمی سروده و آهنگ آن از اسفندیار منفردزاده است. فیلم کوتاه «دولت آباد» در سال ۱۳۵۱ توسط کرامت دانشیان و فیلم «خداحافظ رفیق» اثر امیر نادری تحت تاثیر قیام سیاهکل ساخته شده است.

تابلوی ماندگار سیاهکل در سال ۱۳۵۰ توسط بیژن جزنی و در زندان خلق شده است.

در شرایط پس از حماسه سیاهکل تحول مهمی در شعر فارسی به وجود آمد که شاعر برجسته، محمد رضا شفیعی کدکنی از آن با نام «دوره سیاهکل» یاد می کند. شاعران پُرآوازه ای همچون احمد شاملو، نعمت میرزازاده، محمد رضا شفیعی کدکنی، اسماعیل خویی، سعید سلطانپور، سعید یوسف، خسرو گلسرخی، سیاوش کسرای و برخی از فعالان جنبش پیشتاز فدایی، پیرامون این رویداد سترگ آثاری فراموش ناشدنی آفریدند. چند سال پیش، چهار شعر منتشر نشده از نویسنده برجسته، باقر مومنی که در سالهای پس از حماسه سیاهکل سروده است، از جانب ما در یکی از سالگردهای حماسه سیاهکل رونمایی و در ماهنامه نبرد خلق انتشار یافت.

ترانه جمعه، که شاعر آن شهیار قنبری است و با صدای فرهاد مهرداد به بازار آمد، زبانزد جامعه روشنفکری ایران و بخشهای زیادی از مردم شد.

ترانه شب نورد، سروده اصلاان اصلانیان که در آلبوم چاووش ۲ با صدای محمد رضا شجریان و آهنگ سازی محمد رضا لطفی اجرا شده، اثری مربوط رزم دلیرانه رفیق امیر پرویز پویان است.

ترانه جنگل (ترانه فیلم خورشید در مرداب) با صدای داریوش اقبالی، که شعر آن را ایرج جنتی عطایی سروده و آهنگ آن ساخته بابک بیات است، از ترانه های بیادماندنی آن دوران است.

ایرج جنتی عطایی در توصیف شرایط سرودن این شعر می گوید: «این ترانه در رابطه با سیاهکل سروده شده. در آن دوره در تهران پوستر چاپ شده بود و دنبال چریکها می گشتند. بعد ماجرای تعقیب شان در جنگل و تیراندازیهایی که پیش آمد و این موضوع که می گفتند بخشی از روستاییهای آن جا هم کمک کرده بودند به

پلیس برای دستگیری چریکها و آنها هم البته اذیت و آزاری به روستاییها نرسانده بودند. تمام این موضوعات و خبرها در من غلیان کرد و آن ترانه را نوشتم.» (ویکی پدیا)

توده ای شدن سازمان

چریکهای فدایی خلق ایران در سال ۱۳۵۰ متحمل ضربات سختی شدند و در پایان این سال تعداد اندکی از آنان باقی مانده بود. اما با پشتکار، با عشق به آزادی و با ایمان به راهی که انتخاب کرده بودند و البته با اتکا به سازماندهی سیاسی نظامی به سرعت خود را سامان داده و پس از تثبیت در سال ۱۳۵۱ و

پیش از ضربات سال ۱۳۵۵، به نیروی بزرگی با دهها عضو در تیمهای چریکی و صدها هوادار فعال و نیز دهها گروه و محفل مدافع مبارزه مسلحانه در گوشه و کنار ایران تبدیل شدند، دستگیریهای گسترده در آن سالها این واقعیت را تایید می کند. ضربات اردیبهشت و تیر ماه سال ۱۳۵۵ گرچه کمرشکن بود، گرچه رفیق کبیر حمید اشرف به شهادت رسید، اما سازمان چریکهای فدایی خلق ایران را نابود نکرد و هنگامی که شیپور انقلاب در سال ۱۳۵۷ نواخته شد، معلوم شد که این سازمان پایگاه توده ای گسترده دارد و در روزهای انقلاب هیچ نیروی سیاسی، البته به جز خمینی، قادر به این میزان بسیج توده ای نبود.

به آن چه بر ما پس از انقلاب بهمن سال ۱۳۵۷ گذشت نمی پردازم، زمان زیادی برای پرداختن به آن نیاز دارد و در ضمن مستقل از بحث امروز ما است.

چرا سازمان به نیروی بزرگ توده ای تبدیل شد؟

رفیق امیر پرویز پویان در یکی از مقاله های خود نوشت: «تاریخ توالی فصول نیست، توالی چشم اندازه های بی بازگشت است.» از همین رو تاریخ سالهای ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۷ تکرار نخواهد شد. اما این سوال مهم و کلیدی است که چرا چریکهای فدایی به یک جنبش با نیروی گسترده توده ای تبدیل شدند. روی سخن با کسانی است که با انبوهی تعریف و تمجید از صداقت، جسارت و از خودگذشتگی رفقای فدایی، راه آنان را مردود و یا با به هم بافتن تئوریهایی که نظریه پردازان مارکسیسم در شرایط مشخصی مطرح کرده اند، خط مشی چریکها را انحرافی ارزیابی می کنند. لنین در ابتدای کتاب ارزشمند «دولت و انقلاب» توصیفی از این گروه افراد و جریانها ارایه می دهد که بسیار گویاست.

وی می نویسد: «در مورد آموزش مارکس اکنون همان رخ می دهد که در تاریخ بارها در مورد آموزشهای متفکران انقلابی و پیشوایان طبقات ستمکش به هنگام مبارزه آنان در راه آزادی رخ داده است. طبقات ستمگر انقلابیون بزرگ را در زمان حیات شان همواره در معرض پیگرد قرار می دادند و آموزش آنها را با خشمی بس سبعمانه، کینه ای بس دیوانه وار و سیلی از اکاذیب و افتراءات کاملاً گستاخانه استقبال می نمودند. پس از مرگ آنها، کوششهایی به عمل می آید تا بتهای بی زبانی از آنان بسازند و آنها را به اصطلاح تقدیس کنند، شهرت معینی برای نام آنها، به منظور «تسلی» طبقات ستمکش و تحمیق آنان قائل شوند و در عین حال این آموزش انقلابی را از مضمون تهی سازند، برندگی انقلابی آن را زائل نمایند و خود آن را مبتذل کنند، در مورد یک چنین «عمل آوردن» مارکسیسم، اکنون بورژوازی و اپورتونیستهای داخلی جنبش کارگری با یکدیگر همدستانند.»

در لابلای برخی از مقاله ها، خاطرات و تحلیلهایی که این روزها به مناسبت پنجاهمین سالگشت رستاخیز سیاهکل منتشر می شود، می توان دید که لنین به چه کسانی اشاره می کند.

قصد چالش ندارم و فقط دو سوال را مطرح می کنم:

- آیا خروجی جریانی که با حماسه سیاهکل آغاز شد و ادامه فعالیت آن تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷ به سود جنبش آزادیخواهی و جنبش کمونیستی ایران بود یا به زیان آن؟

- آیا اگر خروجی این جریان طی آن سالها، پیشرفت جنبش دمکراتیک و کمونیستی بوده، دلیل آن جسارت، فداکاری، صداقت، مستقل بودن رزمندگان فدایی بوده، یا خط مشی سیاسی ین بست شکنانه آنان؟

این سوال از همان سال ۱۳۵۵ که ضربات کمرشکن بر سازمان چریکهای فدایی خلق ایران وارد شد، در مقابل کسانی که خط مشی مسلحانه را مردود اعلام می کردند قرار داشت و کمتر پاسخ صریح و شفافیه به آن داده شد.

در حیات یک تشکل سیاسی جهان بینی و آرمانها در خط مشی (استراتژی و تاکتیک) تبلور مادی پیدا می کند. به بیان دیگر خط مشی سیاسی است که مرز بین جریانهای سیاسی را مشخص می کند. برای مثال در شرایط کنونی بسیاری از جریانها از آزادی و عدالت، برابری و سوسیالیسم صحبت می کنند که اگر به همین اکتفا شود، تمایز بین آنها قابل تشخیص نیست. آن چه جریانهای سیاسی را از هم متمایز می کند، خط مشی سیاسی یا استراتژی و تاکتیک است. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران با اعتقاد به مارکسیسم لنینیسم و با آرمان تحقق یک جامعه کمونیستی وارد عرصه نبرد شد.

در همان زمان جریانهای دیگری هم بودند که همین دیدگاه را داشتند. آن چه جنبش فدایی را از دیگران متمایز می کرد، خط مشی آنها یعنی مبارزه مسلحانه بود. بنابراین با تمرکز بر این خط مشی باید در مورد این جریان قضاوت کرد. دیدگاه ما مشخص و صریح است؛ مبارزه مسلحانه به طور عام و جنبش پیشتاز فدایی به طور خاص، نقش تعیین کننده در ایجاد و انکشاف قطب بندی بین دیکتاتوری و آزادی در سالهای پیش از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ داشت. اگر جنبش فدایی از مشی و سازماندهی سیاسی نظامی پیروی نمی کرد به زودی دستگیر و از سپهر سیاسی ایران محو و شاید تنها در کتابهای تحقیقی از آنان یاد می شد.

اشتباه نشود، مساله پنهان کردن کمبودها و خطاهای چریکهای فدایی که به گمانم برای همه جنبشها اتفاق خواهد افتاد، مطرح نیست، چرا که ما در تاریخ شاهد جنبشهای جدی لوکس و پاستوریزه هرگز نبوده ایم. مساله خروجی و محصول جنبش با همه خصوصیات مثبت و منفی آن است.

کسانی که به سوال اول به طور صریح پاسخ «زیانبار» بودن فعالیت چریکهای فدایی خلق را می دهند، از تعدادی جوان بی تجربه، احساساتی و عاشق قهر و خشونت و ماجراجو و صفاتی مشابه آن حرف می زنند. اجازه دهید در پاسخ به مدعیان از دیگران کمک بگیرم:

چه گوارا در کتاب «انسان و سوسیالیسم در کوبا» می نویسد: «بگذارید بگویم که یک انقلابی واقعی توسط حس بزرگی از عشق رهبری می شود.»

رومن رولان در رمان «جان شیفته» می نویسد: «آزادی جان و اندیشه تا وقتی به عمل تبدیل نشود، چیزی بی ارزش و یک لفاظی پوک است.» و در جای دیگر همین رمان می نویسد: «عشق می تواند انسان را یاری کند تا از پایگاه فردی به پایگاه اجتماعی گذر کند.»

بنابراین اگر منظور از مدعیان «احساساتی و ماجراجو» بودن رزمندگان فدایی است، باید گفت آری، درک و غریزه آنان به طور عمیق و شورانگیز به دادگری و رهایی حساس بود و برای همین وارد عمل شدند و از همه چیز خود برای معشوق که همان «آزادی و سوسیالیسم» بود گذشتند و جان در راه آزادی «فدا» کردند.

نقش بی بدیل رفیق غفور حسن پور در حماسه سیاهکل

در این قسمت از صحبت‌هایم به نقش بی بدیل رفیق غفور حسن پور در رستاخیز سیاهکل می پردازم. واقعیت این است که اگر حماسه سیاهکل هم اتفاق نمی افتاد، مبارزه مسلحانه انقلابی در دهه پنجاه خورشیدی بدون تردید شروع می شد. گروههای و افراد زیادی در آن سالها در تدارک عملی و نظری مبارزه مسلحانه نقش آفرینی می کردند. از گروه جزنی، ظریفی، سورکی و گروه فلسطین که پیش از حماسه سیاهکل ضربه خوردند در ابتدا صحبت کردم.

اگر عملیات سیاهکل هم صورت نمی گرفت، رفقای گروه احمدزاده، پویان، مفتاحی از سال ۱۳۵۰ وارد عمل می شدند. بدون تردید رفقای باقی مانده از گروه جزنی هم بدون رفیق حسن پور در همان سالها وارد عمل می شدند. همچنین گروههایی همچون «ستاره سرخ»، «آرمان خلق»، «جبهه دمکراتیک خلق»، «لرستان»، بخشی از «سازمان انقلابی کمونیستی ایران» (ساکا)، گروه «مازندران» و «دزفول» گروه «کرامت دانشیان» و «فریدون نجف زاده» و گروههای کوچک و بدون نامی که در تدارک مبارزه مسلحانه بودند.

از آستانه حماسه سیاهکل تا سال ۱۳۵۷، بسیاری از فعالان این گروهها به سازمان چریکهای فدایی خلق پیوستند و یا دستگیر و برخی از آنان اعدام و یا در پیکارهای خیابانی به شهادت رسیدند.

یاد می کنم از رفقا حسین کریمی، همایون کتیرایی، هوشنگ ترگل، ناصر کریمی، بهرام طاهر زاده و ناصر مدنی از گروه آرمان خلق، و از رفقا نادر شایگان شام اسبی، حسن رومینا، نادر عطایی، مصطفی شعائیان و از رفقا کرامت دانشیان و خسرو گلسرخی که در راه آزادی جان فدا کردند و به شهادت رسیدند.

اضافه کنم که به فرض محال اگر هیچ گروه چپ مارکسیستی و کمونیستی وارد عمل نمی شد، سازمان مجاهدین خلق ایران و گروهها و محافل پیوسته به آن عملیات مسلحانه انقلابی را شروع می کردند. بنابراین بحث من در مورد نقش

آفرینی فعالان انقلابی در شروع و یا ادامه مبارزه مسلحانه نیست. چرا که بسیاری از پیشرو ترین و انقلابی فعالان سیاسی در تدارک، شروع و ادامه مبارزه مسلحانه نقشهای مهمی داشتند. چه کسی می تواند منکر نقش امیر پرویز پویان، مسعود احمدزاده، عباس مفتاحی، حمید اشرف و اسکندر صادقی نژاد، که اولین هسته مرکزی پس از اعلام رسمی چریکهای فدایی خلق بودند، بشود.

نمی توان منکر نقش رفقا صمد بهرنگی، بهروز دهقانی، مناف فلکی و علیرضا نایدل در جذب فعالان چپ در آذربایجان شد. نمی شود نقش رفقا مهرنوش ابراهیمی، چنگیز قبادی و اسدالله مفتاحی را نادیده گرفت. نمی شود منکر نقش شیرین معاضد (فضیلت کلام)، خشایار سنجرى، مهدی فضیلت کلام، محمد صفاری آشتیانی، عباس جمشیدی رودباری، حسن نوروزی، علی اکبر جعفری، اعظم و بهمن روحی آهنگرانی و رفقای دیگر چون صبا بیژن زاده، زهرا آقا نبی قلهکی، مرضیه احمدی اسکویی، غزال آیتی و ... بسیاری دیگر شد.

بحث من این است که بدون وجود غفور حسن پور، سیاهکل اتفاق نمی افتاد. چرا؟

پلخائف، اندیشمند مارکسیست روس، در کتاب «نقش شخصیت در تاریخ» بر این نکته تاکید می کند که تاریخ را شخصیتها نمی سازند. او اما بر این نکته می پردازد که وقتی شرایط برای یک رویداد و یا تحول مناسب است، افراد می توانند تاثیر گذار باشند. غفور حسن پور نمونه ای از کسانی است که پلخائف در مورد نقش آنها نظر داده است.

رفیق غفور یک دانشجوی نخبه و در سالهای تحصیل در دانشکده پلی تکنیک (دانشگاه امیر کبیر کنونی) در رده اول و یا دوم بود. او به معنی دقیق یک روشنفکر انقلابی با مطالعات عمیق بود که به شعر، موسیقی و تاریخ علاقه زیاد داشت. در ابتدای صحبتیم دو بیت از اشعار حافظ را خواندم. حسن پور شیفته ذهن شورشگر حافظ بود. او همواره این بیت از اشعار صائب تبریزی را تکرار می کرد؛ ما زنده به آنیم که آرام نگیریم، موجیم که آسودگی ما عدم ماست. او یک شخصیت محبوب در هر جمعی بود که حضور داشت. گرافه نیست اگر بگویم که این رفیق در هر لحظه از زندگی اش به انقلاب و رهایی می اندیشید و برای آن تلاش خستگی ناپذیر می کرد.

این رفیق حسن پور بود که پس از صربه به گروه جزنی، ظریفی، سورکی، با پشتکار باورنکردنی به احیا و بازسازی گروه اقدام کرد. حدود ۸۰ درصد اعضای اصلی گروه جنگل توسط این رفیق جذب شدند. بیش از ۹۰ درصد هواداران گروه جنگل که پس از حماسه سیاهکل بازداشت شدند، در ارتباط با غفور حسن پور بوده و از طریق او پیوستگی داشتند.

غفور حسن پور از همان سال ۱۳۴۷ بر این اعتقاد بود که هسته چریکی باید در یکی از نقاط دیلمان، مستقر و در همین منطقه وارد عمل شود. و مهمتر از همه این موارد، این رفیق بدون تردید و وسواس معتقد بود که باید دست به عمل زد حتی به قیمت نابود شدن کامل گروه. فکر می کنم دلایل که برشمردم برای ادعایم کافی باشد.

رفیق غفور را قبل از حماسه سیاهکل و در ۲۳ آذر همان سال دستگیر کردند و زیر بی سابقه ترین شکنجه ها که تا آن زمان صورت می گرفت، قرار دادند. او در زندان بود که با قاطعیت رفیق علی اکبر صفایی فراهانی، حماسه سیاهکل آفریده شد. بذری که غفور حسن پور کاشته بود، جوانه زد و رشد کرد و با خون ارزنده ترین زنان و مردان ایران زمین آبیاری شد و تنومند شد.

او از جمله کسانی بود که به نیاز دوران خود پاسخ داد. لنین در مورد مفهوم جمله هگل که می گوید «آزادی درک ضرورت است» می گوید این به معنی عبور از تئوری به عمل است.

ما امروز سیمای رفیق غفور حسن پور و همه رفقای فدایی که در پیکارهای بی امان به شهادت رسیدند را در چهره قیام آفرینان دی ۱۳۹۶ و آبان ۱۳۹۸ و دهها شورش و خیزش در گوشه کنار میهن دربند می بینیم. جوانانی که نظم متکی بر ظلم و نابرابری را بر نمی تابند و بنیادهای ستم و استثمار را به آتش می کشند، ادامه شراره های آتشی هستند که جرقه آن در سیاهکل زده شد.

سپاس از همگی شما که حوصله کردید و به من گوش دادید.

یکشنبه ۱۹ بهمن ۱۳۹۹ - ۷ فوریه ۲۰۲۱

بر ره شتاب کن: غفور

فتح الله کيایيها

برای رفیق غفور حسن پور

مادر رفقای شهید: فاطمه، مصطفی و غفور حسن پور، هنگامی که خبر تیرباران فرزندش را می شنود، می گوید: انقلاب ایران همچون درخت تناوری است که ریشه های قطورش در دل خاک وطن جای دارد. پسر من و نظایر پسر من، تنها شاخه های این درخت تناور هستند. من از مرگ فرزندم دلگیر نیستم، امیدم به شاخه های جدید است.

بر شانه ی ستبر جنگل انبوه
در همسرایی آوازِ شومِ شغالان
کفتارهای بیدل و ترسان
در خاکریز وحشت خود
مویه می کشند
مادر کمی شتاب
آنها چراغ انتظار به ره بر نشانده اند.

آرام باش توسن وحشی
یک لحظه ای درنگ
این کوک آخر است
دندانه می زنم
پیراهن من است مادر؟
نه، این پرچم شماسست
با دانه های نار
در طول این شب یلدا
بر قامت جوان شما
رنگ کرده ام.
سرخ است مثل خون
گرم است مثل کوره ی خورشید.

مادر شتاب کن
در من قرار
چون اسب وحشی تندر

گیسو بدست بادِ پریشان
آراسته بباف
ای جنگل خموش.
از ره کنار
دارِ سر راه
از شب نترس مادر دلتنگ
/ می خواند با خودش /

ای جویبارساکت و خاموش
آوازخوان بشو
نافه گشای آهوی وحشی
بر ره شتاب کن: غفور
غرّان صدای رسایت
پر خشم سینه ات
بر قلب شب بزن
بشکن غرور زمستان.
بگذار تا نهال جوان شاخه بر کشد
خورشید را بکار
آتش فشان به یال دماوند.
/ آرام زیر لب
نجوای مادر بی تاب /
بیرون کومه اما
ابری نشسته سخت

بی تاب و نا شکیب
سم ضربه های خشم
بر سنگفرش جاده می کوبد

آرام باش گوزن جوانِ من
بگذار تا بیافتم
بگذار تا ببویمت
این کوک آخر است تماشا کن
بر شانه ات بگیر
محکم گره بزن
آنگاه
مستان شتاب کن
بر قلب شب بزن.

آنسوی تر
داری کمر شکست
سُری به خون نشست
جوشید از زمین
چندین نهالِ سرو

فانوس انتظار
در چشم مادرِ خسته
می خواند تا سحر
راحت پر از شکوفه غفور جوان من

هنگام صبحدم
اشک از دو دیده شست
دندان به لب گزید و گفت
دندانه های خشم را
بر چار گوش پرچم خونین
باید
نقشی دوباره بیاندازم.

وانگاه
دلخسته پر غرور
می خواند زیر لب
راحت پر از شکوفه
ای سرو قامتم

لبخنده ات بهار...

سیاهکلی دیگر بر آفرینیم

ربابه جوزقی

شب است و آسمان پر از ستاره
ستاره ها در آن بالا پر از نام و نشانه
آخه امشب تولد دوباره شانه
۱۹ بهمن روز سیاهکل
سیا هیش بر دل دشمن نشسته
دشمن تا دندان مسلح
نخوابیده هنوز نگاهش با ترس به آسمانه
به آسمان پر از ستاره
غافل از این که هر ستاره
تا ابد زنده و جاودانه
آنها رفته اند توی آسمانها
ولی یارانسان روی زمینند
میگن کار زحمتکشانش همیشه اینه
ستاره شدن و پتک آهنینه
دشمن تا دندان مسلح
نخوابیده هنوز نگاهش با ترس به آسمانه
تفنگش را زمین نگذاشته اما
لباسش قبایی تا روی زمینه
نگاه کن، نگاه کن!
به چنگ و دندانش
که خون کارگر روی زمینه
تو که همرمزم هم درد مایی
تو که خود کارگر و بی قبایی
بیا با هم بشیم تا ره بیابیم
دل هر دیکتاتور را لرزه درآریم
سیاهی برکنیم ز نیم بر طبل شادی
سیاهکلی دیگر بر آفرینیم

بوی بهاران در جنگل سیاهکل به یاد پانزده چریک فدایی خلق

امید امیدوار



نوزده بهمن، سوزِ سرمای زمستان بود
سپید جنگل، ولی پوشیده از خون بود
سه پنج پانزده چریک خلق، صفایی و رفیقان بود
تنی راسخ مصمم، چهره شاداب و گدازان، بود
درون جنگلِ گیلان، قطارها پر فشنگ بود
بسان شیر غُران، به گردنها حمایل آن تفنگ بود
نگاه تیز گردان چریکها، سوی خورشید
به روی برف و یخ، گرمای جان پاشید
ببار، توفنده شو، برفهای خون آلود
چه بر جنگل چه بر کوه یا که بر رود
چریکها به ضرب آهنگِ ای رفیقان قهرمانان
ببستند عهد و پیمان از برای خلق ایران
شالیکاران، دخترِ قوس و قزح رنگین کمان
کِل زدند در عمق جنگل از برِ جنگاوران
تنِ گند زمستان را بشستند، چو باران در بهاران
دانه کاشتند، به صحرا و زمین و کشتزاران
مسلسل چهچه زد، چو لالایی برای جویباران
حماسی شد دل جنگل، درونِ کوهساران
سوار بر بالِ خیالم پَر کشیدند، این رفیقان
چه غوغایی نمودند، در سیاهکل، این پلنگان
طبیعت غنچه وار، خنده بر لب، کاشت
ابرِ آبستن ز باران، به چشم خون داشت
ببار برف زمستانی، سفیدتر کن عروس جنگلم را
برایش کِل بزن، خلعت بیار، این کاوه آهنگرم را
عشق و آزادی به سر داشت سوسیالیزم و رفا
آرمان چریکها همین است، عهد و پیمان و وفا
به غُرش آی، رگبار مسلسل، بزن بر قلب سرمایه
که این شاه جنایتگرِ سفاک، درنده خونخواره
بجوش چشمه، خروشان شو، درون جنگلِ گیلان

تفنگ ، داس و چکش، سرخ ستاره صد هزاران
ماه جنگل ، برکه آب، خنده بر لب داشت
زورق عشق، روی موج خیال، می کاشت
شعله رقصان، برای هیزم جنگل، دلبری می کرد
گیسوان بید مجنون چون نسیم، افسونگری می کرد
قد کشید این سرزمینم، با نبرد این یلان
سرکشید زوزه هراسناک، شاه پوشالان
بسُرآئید غزلها، پَر گهواره میهن، بجنبان
کاکل مویش ببوئید، دربغل لالایی اش خوان
پتک کارو داسِ دهقان ، تفنگِ پارتیزان
بر بکوبند ستمکاران، درو سرمایه داران
به چند روزی نیائید، از این رزم زمستانی
که جنگل غرقه در خون شد، رفیقانِ فراهانی
جنگل است و زایش و نم نم باران
پیچ و تابِ برف و باد، پانزده ستاره تیر باران
عهد این بود، فقر و ظالم را، مهارش می کنیم
سوسیالیزم و پرچم سرخ را بپایش می کنیم.
۱۹ بهمن ماه ۱۳۹۹ مطابق با ۷ ژانویه ۲۰۲۱

پیامها به مراسم گرامیداشت پنجاهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

اسامی ارسال کنندگان پیام چنین است:

- عده ای از فعالان دانشجویی داخل کشور،
- شعری از م. وحیدی (م. صبح) از اشرف ۳،
- سروده ای از مرجان از ایران،
- یک رفیق معلم از لرستان،
- رحمان جاری، فعال اجتماعی در منطقه سیل زده جنوب لرستان،
- تعدادی از پشتیبانان جنبش فدایی،
- کانون همبستگی ایرانیان مونیخ
- رفقا فرهاد، پرهام، امید آدینه، کارن و پدرام محسنی از ایران
- فرشته و رحمان کریمی از آلمان
- کاوه آل حمودی از هلند

دو اثر ارزنده نقاشی از طرف یار وفادار ما آقای محمد قربانی و رفیق ناصر قاضی زاده به همایش اهدا شده که از آنها تشکر می کنیم.



اثر ناصر قاضی زاده



اثر محمد قربانی

پیام عده ای از فعالان دانشجویی داخل کشور به مراسم پنجاهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

با درود و تبریک بسیار به پنجاهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل و گرامیداشت یاد و نام تمام مبارزان راه آزادی، کسانی که رفتند اما یاد و نامشان در قلب تمام ستمدیدگان عالم، آزادیخواهان و جنبش دانشجویی فعال داخل کشور سالیان سال است که زنده و پایدار مانده است

جنبش دانشجویی همواره سعی کرده در مسیر مبارزه با جمهوری اسلامی همیشه پیشتاز و کنار تمام قشرها و مردم مبارز در اعتراضات و اعتصابات شرکت داشته و با تمام وجود در همگرایی و نزدیک شدن پیوند مبارزان راه آزادی قدم بردارد امروز ما در موقعیتی در کنار شما قرار گرفته ایم که جمهوری اسلامی در عرصه داخلی و بین المللی در تنگنای شدید دست و پا می زند و جنبشهای اجتماعی از طبقه زحمتکش کارگر گرفته تا معلمان، پرستاران، دانشجویان، پزشکان و ... در حال قوی شدن و همبستگی فراوان قرار گرفته که این را به آشکارا در سالهای گذشته شاهد بوده ایم و امید داریم که این قدرت ما سبب نابودی رژیم سرکوب شود که این امر به زودی میسر خواهد شد.

انرژی و همبستگی ما فعالان جنبش دانشجویی ایران برای رسیدن به اهداف مشترکمان همواره با شماست و تا آن روز و قرار گرفتن در کنار یکدیگر این پیام را به شما می دهیم که از هیچ تلاش و همتی دریغ نخواهیم کرد.
جمعی از فعالان جنبش دانشجویی ایران



کوچ در شبگیر

به یاد شهدای سپاهکل

م. وحیدی (م. صبح)

برای شهر خموش بی نام

واصلت جاده ای

که وهم را

ویران می کند

آهنگ امیدشان

نقش ونگار پل های جهان را

صیقل می دهد

در شبگیر مه آلود صبحی سرد

طنینی برخاست

کیستند

که صدایشان

چون نوری دونه

بر ریشه های جنگل پیچید

و شاخه های جوان را

شکوفان کرد؟

اخگرانی سرخ

که زنگار های شب را

زدودند

و خاک را

میلادی دوباره بخشیدند

زمان

پرند ای شد

به جانب دور دست ها

با لحظه هایش

که مجال نیافتند

زوال خویش را

به تماشا بنشینند

غروب پیر

در انفجار نور

شکفت

و حقیقت

در حماسه زاده شد

وارثان کلام های ناگفته

که گام هایشان

در آینده جاریست

با نفس پاک ترین کوهستان ها

وطعم لبانشان

طلوع افق های فرداست

سوارانی

با ترانه های اساطیری

دشت شقایقها

مرجان

مگه می شه روی خورشید رو پوشوند؟

مگه می شه بگی بارون نباره؟

مگه می شه از آسمون شبها

بگیری نور صد ماه و ستاره

زمستون هر چه سخت و سرد باشه

بهار گل فشان میاد دوباره

نه اقیانوس از خشکی می میره

نه دریا از زمین دست بر می داره

به لاله کی می گه دشت از تو خالی

شقایق داغ عشق تو سینه داره

کی می تونه بگه در ظلمت شب

کسی اسم سپیده رو نیاره

نه مرداب می شه رود پر هیاهو

خروشان میره آرامش نداره

قسم بر جان پاک غرق در خون

که آزادی ما در کارزاره

نمی مونه بساط ظلم باقی

که خلق با دشمنش آشتی نداره

جرس فریاد بردارد که برخیز

تفنگ در دست هر که بیقراره

زخون ما شفق سرخ است ای یار

بسازیم آسمانی پر ستاره

نمی ترسیم از زنجیر بر پا

که هر کی عاشقه بر روی داره

بهمن ۱۳۹۹

پیام یک رفیق معلم از لرستان

آن که می گفت
حرکت مرد در این وادی خاموش و سیاه
برود شرم کند.
مویه کن بحر خزر
گریه کن دشت کویر
پیرهن چاک بده
جنگل سرخ گیلان
قلب خود را بدر ای
قله سر سخت البرز

تاریخ خونبار مبارزات کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم میهن در بند علیه سلطه امپریالیسم و نظام وابسته ایران، مالمال از تلاشهای بی وقفه است که از سوی پیشقراولان مبارزه با استبداد به همراهی توده های به پاخاسته برای نیل به آزادی و برابری رقم خورده است. رستاخیز سیاهکل در ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ و به دنبال آن قیام مردم در ۲۱ و ۲۲ بهمن سال ۵۷ موید این تاریخ پر فراز و نشیب است.

در ۱۹ بهمن ماه ۱۳۴۹ بود که زنگ بزرگ خون به صدا در آمد و طوفان شکوفه داد... و توهم شکست ناپذیری رژیم تا بن دندان مسلح وابسته شکسته شد تا دیکتاتور ها بدانند که سکوت توده ها نه رضایت است و نه تسلیم بلکه آتش زیر خاکستر است و در شرایط مقتضی بسان آتش فشان فوران می کند و بساط تبهکاران ستمکار را در می نوردد. و به همین دلیل بر خلاف تمامی دسیسه ها و لاپوشانی هر دو رژیم سفاک خاطره این رویداد غرور آفرین از ذهن ملت ستم دیده پاک نمی شود و نسل به نسل تجارب و خاطره رشادتهای پیشگامان صف شکن خلق منتقل می شود و از آن نیرو می گیرند. به خاطر داریم که در خیزش بهمن ماه شعار «ایران را سراسر سیاهکل می کنیم» و شعار دیگر که پشت هر رژیم خودکامه ای را می لرزاند و سر می دادند «وای به روزی که مسلح شویم» طنین انداز می شد.

خون به خاک ریخته قهرمانان خلق نهال آزادی خواهی و آزادی توده های در بند را آبیاری نمود و جنگلی انبوه پدید آورد که پی آمد آن به صحنه آمدن جوانانی است که دو نسل با این جانفشنان فاصله دارند اما رهرو راه آنان هستند. کارگران و زحمتکشان میهن با تاسی از بینش و روش پیشگامان خود اینک در کارخانه ها و کارگاهها به صورت پیگیر خواستار حقوق به یغما رفته خود هستند. کارگران سراسر میهن مانند هفت تپه و هپکو و... با اعتصابات و اعتراضهای خود که نتیجه و تاثیر مبارزه رزمندگان سیاهکل است و دهه هاست در اعماق جامعه اثر گذاشته است و تابو شکن شده است و خواب خوش را از رژیم ارتجاعی ربوده است.

در سالگرد این رویداد بزرگ تاریخی بکوشیم تا کوشنده راه سرخ و رهایی رزمندگان سیاهکل و ادامه دهندگان و هم پیمانان آنها باشیم.

گرامی با یاد و نام رزمندگان سیاهکل
گرامی باد یاد و نام پویندگان راه آنها

شرم بر حاکمیت چپاولگر و دشمن زحمتکشان میهن.

معلم لرستانی

بهمن ماه ۱۳۹۹

پیام رفیق فرهاد

با گرمی داشت یاد رهبران و بنیان گذاران دلیر سازمان چریکهای فدایی خلق، و با امید تداوم راه آنها در برقراری سوسیالیسم ممکن و پویا، و بسط حاکمیت قانون و آزادیهای مدنی در فردای ایران، تلاش کنشگران فعلی سازمان در برپایی یادواره پنجاهمین سالگشت حماسه سپاهکل را ارج می نهیم. راهتان پر رهرو باد. ...

پیام یک رفیق

ما بی چرا زندگانیم

آنان به چرا مرگِ خود آگاهانند

(احمد شاملو)

اکنون در آستانه شعور و شرافت، یعنی پنجاهمین سالگرد پُرشکوه و پُرافتخار حماسه سپاهکل، قرار گرفته ایم؛ آری، چریکها هرگز نمی میرند! یاد باد آن آفتابکاران راستین و راسخ، همان دلاورانِ آذرخش گون که از تبار ستاره و صداقت بودند، و سرانجام! تفنگ بر کتاب نهادند؛ زیرا این عصیان و عاطفه، آداب ما فدائیان است؛ اینک ... سخن کوتاه: ثقل کلام: من به عنوان یکی از بی شماران فرزند خلقهای ستم دیده جهان، این سپهر سیاسی راه از صمیم قلب و نهایت ذهن ام، به همه دوستان و رفقا، و سراسر کارگران و کشاورزان و توده های زحمت کش ایران زمین، تبریک و تهنیت عرض نموده و بار دیگر، با نام و خون آن ببرهای عاشق، تجدید میثاق می نمایم؛ و خطاب به دژخیمان سرمایه داری و نیز جلادان منحوس و سفاک زمانه، ابلاغ و اعلام می دارم: که تا ایجاد یک انقلاب از جنس محرومان مردم سرشت و نهادینه شدن احکام آزادی در ارکان جامعه، با هسته های سرخ مقاومت عَجین بوده و راه مبارزه و رهایی را ادامه خواهیم داد.

فعال سچفخا / بهمن ماه ۱۳۹۹ / امید آدینه

پیام رحمان جاری. فعال اجتماعی

و کبوتر بودن آنان که ناگهان پر کشیدن در آسمان عشق ابدی شدند
سلام بر دلاور مردانی که وقتی دست نوشته های شان خوانده می شود در می یابیم که نام دیگر خورشیدید و قرابتی نزدیک با خود عشق دارید.

وقتی وصیتهای شما را خوانده می شود فهمیده می شود که چرا با آخرین نفر از شما آسمان چمدان خود را بست و کوچید تا بر شرم خویش نیفزوده باشد. وقتی عکس شما ها را ورق می زنیم تازه می فهمیم که عکسهای تک تک شما اشاره به بهترین فصل حیات است و ما غافل بودیم، حال مانده ایم و دستانی که به دیوارهای قفس می خورد و نام جاوید شما که روزهای ما را ترسیم می کند.

زندگی زیباست ولی مردن در جنگ ظالم زیباتر است.

تک تک درختان گیلان و مازندران گواهی می دهند بر شجاعت شما دلیرمردان که چنین شجاعانه بر قلب تاریکی تاختید و در تاریکی ظلمات چراغی نورانی روشن نمودید که چراغ راه تمام آزاد اندیشان است.

پنجاهمین سالگرد حماسه بزرگ و تاریخی سپاهکل که خروج نور بر ظلمت و تاریکی بود گرمی باد.

رحمان جاری، فعال اجتماعی در منطقه سیلزده جنوب لرستان، بهمن ۱۳۹۹

پیام تعدادی از پشتیبانان جنبش فدایی

پنجاهمین سالگرد حماسه سیاهکل گرامی باد

امسال بزرگداشت پنجاهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل برای جنبش رهایی بخش مردم ایران اهمیت بسیاری دارد. پنجاه سال تداوم مبارزه برای آزادی و عدالت روشن می کند که پرچم حماسه سیاهکل همچنان برافراشته است.

ما همچون سالهای پیش در یک منطقه کوهستانی با برافروختن آتش، یاد و خاطره حماسه سازان سیاهکل و شهدای قهرمان آن را گرامی می داریم.

ایمان داریم همچنان که کاخ ستمگر شاهنشاهی به دست توده های مردم فروپاشید، بساط تبهکارانی که مردم سلامت، معیشت و زیست مردم را به گروگان گرفته اند، فرو خواهد ریخت.

کارگران و توده های محروم همراه با آزادیخواهان رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را سرنگون خواهند کرد.

زنده باد انقلاب، زنده باد آزادی

جمعی از پشتیبانان جنبش فدایی / بهمن ۱۳۹۹

پیام پرهام، زندانی سیاسی سابق

به نام عدالت و حق، به نام برابری

به نام بهمن و خون، به نام برادری

برادران و خواهران همزم و همسنگرم و خلق شریف و رنجبر میهن دربندم ایران، گردش روزگار و رسیدن بهمن ماه، ماه خون و گلوه، ماه نور و حماسه دوباره بهانه ای ساخت برای یادمان فرزندان خلف و پاکباز میهنم ایران. آنان که با شعله ور ساختن وجود و شمع جوانیشان، در ظلمت مطلق، فانوس روشنگری برای بیداری پدیدآوردند تا به توده های رنجبر و خسته از ظلم ظالمان راه دیگری به غیر از راه سکوت و پذیرش ظلم نشان دهند و آن راهی نبود جز راه مبارزه برای رسیدن به آزادی. آنان که دلاورانه با فدا نمودن خود نقطه آغاز جنبشی عظیم در توده های خلق ستمدیده و رنجبر شدند و این شروع فصلی نوین در تاریخ معاصر سیاسی ایران بود.

و چه زیبا گفت رفیق کبیر، شمع فروزان دورانها، فدایی جاودان، فرمانده چه گوارا، که عید من آن روزیست که دسترنج یک سال مردمم شام یک شب پادشاه نشود. و به راستی که آغاز بهمن شروع عید حقیقی برای مردم سرزمین من است. مبارک باد این عید راستین بر خلقهای ستمدیده و رنجبر در جای جای گسترده گیتی.

جاودان باد بهمن و جاودانه باد نام و یاد حماسه سازان بهمن. بهمن در لغتنامه انقلاب یعنی هم آغاز... هم پایان... آغاز فصلی تازه به نام انقلاب، پایان فصلی کهنه به نام ظلم و ستم.

امسال پنجاهمین سالگرد حماسه سیاهکل را پرغرورتر از هر سال گرامی میداریم و برای شعله ور ساختن آتش این حماسه جاودان و به رسم مرور و پیوند با آرمانهایمان و یکپارچه سازی قلبهایمان برای رسیدن به رهایی سرزمین مصیبت زده مان ایران، گرد هم می آییم تا پایه های خیمه ددمنشان و ظالمان را دوباره از بیخ و بن بلرزانیم.

نوزدهم بهمن، سالروز حماسه سیاهکل و یادمان رفیقان دلاور و حماسه ساز آن روز را گرامی میداریم. به راستی که حماسه نوزدهم بهمن سیاهکل، نقطه عطف فعالیتهای انقلابی و سرآغاز مبارزه حقیقی و قهرآمیز به شکل مسلحانه در تاریخ معاصر ایران است. هفدهم و هجدهم بهمن، سالروز دستگیری رفقا، بیژن جزنی، عباس سورکی، سعید مشعوف، کلانتری، محمد چوپانزاده، حسن ضیاءظریفی، عزیز سردمدی، احمد جلیل افشار، ضار زاهدیان و رفیق سیروس شهرزاد، همچون دیگر سالها بهانه ای برای گرامیداشت یاد آن عزیزان می باشد.

یاد و خاطر تمامی رفقای بنیانگذار و پیشتاز فدایی و همچنین تمام جانباختگان راه آزادی گرامی و جاودان باد. و همچنین یاد تمام عزیزان در بند گرامی و به امید رهاییشان در روزهایی نه چندان دور.

پرهام، زندانی سیاسی سابق

پیام کانون همبستگی ایرانیان مونیخ

به مناسبت پنجاهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

فرا رسیدن پنجاهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران را به یکایک شما رفقا شادباش می گوئیم. در سالگشت ۱۹ بهمن رستاخیز سیاهکل یاد رنج و رزم صدها و هزاران فدایی خلق در دوران طولانی حیات سازمان را ارج می نهیم و به همه رفقای که در سالیان دراز با مایه گذاشتن از جان و جوانی خود در این راه پرفراز و نشیب طی طریق کرده اند، احترام می گذاریم و در برابر آنان سر تعظیم فرو می آوریم.

این روز تاریخی و گرامی را به همه رفقا و مبارزان راه آزادی و عدالت اجتماعی کشورمان شادباش می گوئیم و برای رهروان این راه، مبارزه ای پیگیر به خاطر تحقق دموکراسی و سوسیالیسم را آرزو مندیم.

پرچم برافراشته در جنگلهای سیاهکل، قبل از همه پرچم مبارزه و پایداری در مبارزه است. بر این پرچم، نام چند هزار فدایی خلق نقش بسته است که هر یک از آنان نشانه ای از محک زنی بازیافته های فکری فداییان خلق برای گشوده شدن راه خوشبختی مردم هستند. پس سخن را اکنون نیز با یاد همه فداییان جانباخته آغاز باید کرد. با نام جانباختگان: صفایی فراهانی و غفور حسن پور و سیزده یار دلیر آنان در سال ۱۳۴۹؛ با نام دهها فدایی شهید: همچون امیر پرویز پویان و بهروز دهقانی در آغاز سال ۱۳۵۰ و احمدزاده و مفتاحی در پایان همان سال؛ با نام ققنوسهای پراوازه: صفاری آشتیانی ها و زبیرم ها در سال ۱۳۵۱؛ با نام حماسه آفرینان شکنجه گاههای ساواک: جمشیدی رودباری و ابراهیم خلیق ها در سال ۱۳۵۲؛ با نام شیرزنان فدایی: مرضیه احمدی اسکوئی و شیرین فضیلت کلام ها در سال ۱۳۵۳؛ با نام اندیشمندان جانباخته بیژن جزنی و ضیاء ظریفی ها در سال ۱۳۵۴؛ با نام سمبل فدایی خلق - حمید اشرف - و بهروز ارمغانی ها در سال ۱۳۵۵؛ با نام فداییان سخت ترین دوره حیاتمان: حسن فرجودی و اعظم معماران ها در سال ۱۳۵۶؛ با نام پیشاهنگان قیام بهمن ماه: قاسم سیادت و ملکوتیان ها و صدها فدایی شهید تا به امروز.

آری! این راه طولانی که با پامردی و پایداری اینهمه جان شیفته طی شده است، ما را فرا می خواند تا یاد بداریم یاد این یاران و رفقا را و در پنجاهمین سالگرد این راه سترگ، باردیگر با همه گشاینندگان و هموارکنندگان این راه، تجدید پیمان کنیم، که در آغاز سالی دیگر از حیات سیاسی سازمان، در هر کجا که هستیم کوشنده پیگیر تحقق این آرمان علیه استبداد دینی حاکم بر ایران تا سرنگونی باشیم.

جاودان باد خاطره تابناک حماسه آفرینان سیاهکل در ۱۹ بهمن!

کانون همبستگی ایرانیان مونیخ ۱۹ بهمن ۱۳۹۹

پیام رفیق کارن

به پا برخیزیم به احترام نیم قرن مبارزه، به مناسبت حماسه سیاهکل به خاطر حق کارگر و کشاورز و تداوم همبستگی دانشجویان با اقشار ظلم دیده در حکومتهای شاه و خمینی یک دقیقه سکوت کنیم. این مبارزه تا به زیر کشیدن ناحقان و افراشته شدن پرچم سرخ زحمتکشان ادامه خواهد داشت. درود بر رفقای شهید فدایی و ادامه دهندگان راه آنها، دست تک تک شما را به گرمی می فشارم و بر قلم شما بوسه می زنم.

کارن/ بهمن ۱۳۹۹

پیام رفیق پدرام محسنی

پنجاهمین سالگرد قیام خونین سیاهکل، رستاخیز حق علیه باطل و یادبود رفقای که جان خود را فدای زندگی بهتر برای آیندگان کردند را گرامی می داریم. راهشان ادامه دارد.

پدرام محسنی

پیام فرشته و رحمان کریمی

با درودها؛ فرشته و من پنجاهمین سال خونین و پر افتخار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران را به شما به سازمان شما و اعضا و هواداران، صمیمانه و به خرسندی تبریک می گوئیم. شمایان امروز در جبهه مقاومت ایران یادگار پیشروانی هستید که نگذاشتید پرچم یک نهضت بر حق با یورش شاه و شیخ، بر زمین فرو افتد. افتخار بر شمایان که ما هم مفتخریم به همراهی. موفق و پیروز باشید. به امید دیدار
فرشته و رحمان کریمی

پیام کاوه ال حمودی

بنیانگذاری سازمان رزمنده و مترقی چریکهای فدایی خلق ایران را به همه دوستانم در این سازمان و به همه ایرانیان آزاده و رنج کشیده از ظلم و جنایتهای این نظام جهل و جنایت تبریک می گوئیم و برای این سازمان در ایفای مسئولیتهاش آرزوی موفقیت می کنم.
نیم قرن خلوص، صداقت و مبارزه بی امان قطعاً شایسته تبریک است.
این سازمان افتخار مبارزاتی ملت ما است و با دو نظام دیکتاتوری مبارزه کرده است، نقش سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در مبارزات ملت ایران بسیار درخشان و مملو از فداکاری و جانفشانی است.
این سازمان رهبران ارزنده ای را به جنبش مترقی و ضد ارتجاعی ما تقدیم کرده است.
هلند، کاوه ال حمودی



عکس: گردهمایی به مناسبت پنجاهمین سالگشت حماسه سیاهکل
در قطعه ۳۳ بهشت زهرا- ۱۹ بهمن ۱۳۹۹

اطلاعیه توضیحی دبیرخانه سازمان

هموطنان عزیز

با سلام و درود و با سپاس فراوان که با ما همراه بودید.

برنامه امروز یکشنبه ۱۹ بهمن ۱۳۹۹ به مناسبت پنجاهمین سالگشت حماسه و رستاخیز سیاهکل با موفقیت اجرا شد. چند صد تن در سالن اصلی و بیش از ۱۳۰ نفر سالن انتظار بودند که شبکه زوم اجازه ورود آنان به را نمی داد. البته دوستانی که در سالن انتظار بودند می توانستند تصویر و صدای سالن اصلی را داشته باشند، اما تصویر خودشان نه از جانب ما، بلکه بنا به محدودیتهای سیستم شبکه زوم بسته بود.

از تمامی دوستان و رفقای که صبورانه برنامه را دنبال می کردند سپاس گذاریم و از آنهایی که نتوانستند وارد همایش شوند، صمیمانه پوزش می خواهیم.

دوستانی که موفق به وارد شدن به زوم و دیدن برنامه ها نشدند، می توانند برنامه را به طور کامل در فیس بوک با کیفیت خوب در آدرس زیر مشاهده کنند.

<https://www.facebook.com/zinat.mirhashemi>

دبیرخانه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

یکشنبه ۱۹ بهمن ۱۳۹۹ - ۷ فوریه ۲۰۲۱

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیائیا

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

NABARD - E - KHALGH

No 434 / 7 Feb 2020

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 - 1 euros

NABARD / B.P. 77 / 91130 Ris orangis / FRANCE

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E - KHALGH in Telegram /// @nabard_khalg --- https://telegram.me/nabard_khalgh

NABARD - E - KHALGH in Facebook //// <https://www.facebook.com/nabardekhalghe/>